

بازخوانی شخصیت‌های منظومه لیلی و مجنون نظامی از دیدگاه روانشناسی فردی آدلر

سوسن ولیزاده، رضا برزویی*، شراره الهامی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

سال هجدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۴، صص ۳۲۰-۲۹۵

<https://irandoi.ir/doi/10.iran.2002/bahareadab.2025.18.7916>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: منظومه لیلی و مجنون نظامی گنجوی از برجسته‌ترین آثار عاشقانه در ادبیات فارسی است. پژوهش حاضر با هدف بازخوانی و تحلیل عمیق شخصیت‌های اصلی منظومه «لیلی و مجنون» نظامی گنجوی، از منظر روان‌شناسی فردی آلفرد آدلر انجام شده است. هدف اصلی، آشکار ساختن انگیزه‌های پنهان، تلاش‌ها برای برتری، سبک‌های زندگی، میزان علاقه اجتماعی و اهداف نهایی ده شخصیت کلیدی داستان (لیلی، مجنون، پدر و مادر لیلی، پدر و مادر مجنون، ابن سلام، نوفل، سلیم عامری و سلام بغدادی) بود تا درک جامع‌تری از ساختار روانشناسی این اثر جاودانه ادبی ارائه شود.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با بهره‌گیری از مفاهیم نظریه روان‌شناسی فردی آدلر به تحلیل محتوای ابیات مرتبط با هر شخصیت در منظومه نظامی پرداخته است. شواهد و مثال‌های لازم از متن اصلی اثر استخراج و به منظور تبیین یافته‌ها مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها: تحلیل‌ها نشان داد که احساس حقارت، به اشکال گوناگون (ناتوانی در عشق، حفظ آبرو، درمان فرزند) در اکثر شخصیت‌ها وجود دارد. تلاش برای برتری در برخی (مانند سلیم عامری، سلام بغدادی و حتی نوفل) به سمت کنشگری سازنده و علاقه اجتماعی بالا سوق می‌یابد، در حالی که در دیگران (مانند مجنون و ابن سلام) به مسیرهای ناسالم، انزوا، یا خودخواهی منجر می‌شود. سبک‌های زندگی شخصیت‌ها نیز بازتابی از نحوه مواجهه آن‌ها با چالش‌ها و پیگیری اهدافشان بود.

نتیجه‌گیری: روانشناسی آدلر ابزار قدرتمندی برای درک پیچیدگی‌های شخصیتی در «لیلی و مجنون» فراهم می‌آورد. این تحقیق تأکید می‌کند که چگونه انتخاب‌های فردی در مواجهه با احساس حقارت و جهت‌گیری تلاش برای برتری (چه به سمت علاقه اجتماعی و همکاری، چه به سوی خودمحوری و قدرت‌طلبی)، سرنوشت هر شخصیت و در نهایت، مسیر کلی داستان را رقم می‌زند. نظامی از این رویکرد، درونیات انسانی را با ظرافت بینظیری به تصویر کشیده است.

تاریخ دریافت: ۰۸ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۱۰ تیر ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۲۶ تیر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۰۹ شهریور ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

لیلی و مجنون، نظامی، روانشناسی آدلر، عقده حقارت.

* نویسنده مسئول:

✉ reza.borzoiy@iaau.ac.ir

☎ ۳۳۲۸۸۶۶۱ (۰۹۸ ۸۷)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Reinterpreting the Characters of Nezami's "Leili and Majnoun" from the Perspective of Adlerian Individual Psychology

S. Valizadeh, R. Borzooei*, Sh. Elhami

Department of Persian Language and Literature, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 29 May 2025

Reviewed: 01 July 2025

Revised: 17 July 2025

Accepted: 31 August 2025

KEYWORDS

Leili and Majnoun, Nezami, Adlerian Psychology, Inferiority Complex.

*Corresponding Author

✉ reza.borzoiy@iaui.ac.ir

☎ (+98 87) 33288661

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Nezami Ganjavi's "Leili and Majnoun" is one of the most prominent romantic works in Persian literature. The present study aims to re-examine and deeply analyze the main characters of this epic poem from the perspective of Alfred Adler's individual psychology. The primary goal was to reveal the hidden motivations, striving for superiority, lifestyles, degree of social interest, and fictional finalism of ten key characters (Leili, Majnoun, Leili's parents, Majnoun's parents, Ibn Salam, Nawfal, Salim Ameri, and Salam Baghdadi) to provide a more comprehensive understanding of the psychological structure of this immortal literary work.

METHODOLOGY: This research is of a descriptive-analytical nature. It utilizes the concepts of Adlerian individual psychology to content-analyze the verses related to each character in Nezami's poem. Necessary evidence and examples were extracted from the original text to explain the findings.

FINDINGS: The analyses showed that feelings of inferiority, in various forms (inability to love, preserving honor, treating a child's illness), are present in most of the characters. The striving for superiority in some (such as Salim Ameri, Salam Baghdadi, and even Nawfal) leads to constructive action and high social interest, while in others (such as Majnoun and Ibn Salam), it results in unhealthy paths, isolation, or selfishness. The lifestyles of the characters also reflected how they confronted challenges and pursued their goals.

CONCLUSION: Adlerian psychology provides a powerful tool for understanding the personality complexities in "Leili and Majnoun." This research emphasizes how individual choices in facing feelings of inferiority and the direction of the striving for superiority (whether towards social interest and cooperation, or towards self-centeredness and power-seeking) determine the fate of each character and, ultimately, the overall narrative. From this perspective, Nezami has depicted human inner workings with unparalleled subtlety.

<https://irandoi.ir/iran.2002/bahareadab.2025.18.7916>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 22	 0	 0

مقدمه

داستان لیلی و مجنون، به عنوان یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین روایات عاشقانه در ادبیات فارسی، همواره مورد توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان به ادبیات بوده است. این داستان، که ریشه در ادبیات عرب دارد، در طول قرن‌ها توسط شاعران و نویسندگان بسیاری بازآفرینی شده و به نمادی از عشق بی‌فرجام، جنون و فانی در راه معشوق تبدیل شده است (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۲۴۵). در میان این بازآفرینی‌ها، منظومه نظامی گنجوی، به دلیل جایگاه رفیع ادبی و تأثیرگذاری عمیق بر ادبیات فارسی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در کنار بررسی‌های متعدد ادبی و بلاغی که بر این اثر صورت گرفته، رویکرد روانشناسی می‌تواند ابعاد جدیدی از شخصیت‌پردازی و انگیزه‌های رفتاری کاراکترهای اصلی داستان را آشکار سازد.

آلفرد آدلر^۱ روانپزشک اتریشی، با بنیانگذاری مکتب روانشناسی فردی، نظریه‌ای جامع در خصوص شکل‌گیری شخصیت، انگیزه‌ها و رفتارهای انسان ارائه داده است (چری، ۲۰۲۳^۲ و بریتانیکا^۳، ۲۰۲۳). دیدگاه آدلر با تأکید بر یکپارچگی شخصیت، نقش تجارب کودکی، و انگیزه‌هایی چون تلاش برای برتری، جبران احساس حقارت، و اهمیت علاقه اجتماعی، ابزاری ارزشمند برای تحلیل و درک عمیق‌تر شخصیت‌های داستانی فراهم می‌آورد (بایتر و همکاران^۴، ۲۰۰۹؛ واتس^۵، ۲۰۰۳؛ انسباخر و انسباخر^۶، ۱۹۶۴).

هدف از این پژوهش، بررسی پوشش‌های روانشناختی شخصیت‌ها در منظومه لیلی و مجنون نظامی با استفاده از رویکرد روانشناسی آلفرد آدلر است. نظامی گنجوی، شاعر قرن ششم هجری، با خلق منظومه «لیلی و مجنون»، روایتی حماسی و پرشور از این داستان عاشقانه ارائه داد. او با تأکید بر جنبه‌های تراژیک عشق و جنون، شخصیت‌هایی پیچیده و چندبعدی را خلق کرد که بازتابی از تضادهای درونی و بیرونی انسان است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۲۰). معدودی از محققین از جمله عبداللهی (۱۳۹۴)، علانی حسینی (۱۳۸۶)، کیا منش (۱۳۸۹)، مظفری خواه و همکاران (۱۴۰۲)، مرادی و کیخای فرزانه (۱۳۹۹) در خصوص منظومه لیلی و مجنون تحقیقاتی انجام داده اند اما تاکنون این شخصیت‌ها به طور جامع در آینه نظریه آدلر بازخوانی نشده اند. در این راستا، تلاش خواهد شد تا به روش توصیفی-تحلیلی با بررسی دقیق متن منظومه و استناد به مفاهیم کلیدی نظریه آدلر، به تبیین چگونگی بروز عقده حقارت، سبک زندگی، علاقه اجتماعی، و تلاش برای برتری در رفتار و انگیزه‌های این شخصیت‌ها پرداخته شود. این پژوهش ضمن معرفی اجمالی نظریه آدلر، به تحلیل شخصیت‌های منظومه لیلی و مجنون نظامی پرداخته و در نهایت بخش بحث و نتیجه‌گیری، یافته‌های پژوهش جمع‌بندی می‌شود.

۲- مروری بر نظریه روانشناسی آلفرد آدلر

آلفرد آدلر (۱۸۷۰-۱۹۳۷)، روانپزشک اتریشی، بنیان‌گذار مکتب روانشناسی فردی است. آلفرد آدلر، با بنیان‌گذاری روانشناسی فردی، رویکردی کل‌نگر و هدفمند را در روانشناسی مطرح کرد. او بر خلاف فروید، که بر نقش غرایز جنسی در شکل‌گیری شخصیت تأکید داشت، معتقد بود که عوامل اجتماعی و فرهنگی، نقش مهم‌تری در این زمینه

^۱- Alfred Adler

^۲- Cherry

^۳- Britannica

^۴- Bitter et al.

^۵- Watts

^۶- Ansbacher & Ansbacher

ایفا میکنند. آدلر، انسان را موجودی اجتماعی میدانست که همواره در تلاش برای رسیدن به اهداف و معنای زندگی است (آدلر، ۱۹۵۶).

نظریه روانشناسی فردی آلفرد آدلر، رویکردی ساختارگرا است که بر اهمیت تشویق و پیشگیری در مقابل درمان تأکید دارد. آدلر نقش همکاری و ارتباط بین افراد را در جهان ارزشمند میدانست و بر تأثیر انتخاب شخصی، ماهیت اساسی انسان، اهمیت تمرکز ایده‌آل و انگیزشی زندگی، حذف نابرابری اجتماعی و اولویت دادن به اجتماع تأکید میکرد (آنسباخر و آنسباخر، ۱۹۶۴). نظریه شخصیت آدلر بیان میکند که رشد شخصیت در اوایل کودکی آغاز شده و نتیجه تجارب دوران نوزادی است. از دیدگاه آدلر، شخصیت یکپارچه است و این یکپارچگی بر نه جنبه اساسی استوار است: علاقه اجتماعی، سبک زندگی، رفتار هدفمند، عقده حقارت، تلاش برای برتری، اعتراض مردانه، غایت‌گرایی خیالی و صورت‌بندی خانواده (بریتانیکا، ۲۰۲۴؛ آنسباخر و آنسباخر، ۱۹۶۴). در این پژوهش، بر پنج مفهوم کلیدی از نظریه آدلر که عبارتند از: عقده حقارت، سبک زندگی، علاقه اجتماعی، تلاش برای برتری و هدف‌گایی تمرکز خواهیم کرد.

عقده حقارت^۱

آدلر معتقد بود که همه افراد در اوایل زندگی احساس حقارت را تجربه میکنند و این احساس، ناشی از ناتوانی و وابستگی کودک به بزرگسالان است (فیست و فیست، ۲۰۰۹). او بر این باور بود که این احساس، نیروی محرکه پشت رفتارها، احساسات و افکار انسان است و افراد از کودکی برای غلبه بر این احساس از طریق «تلاش برای برتری» تلاش میکنند (چری، ۲۰۲۳).

عقده حقارت به احساس مداوم ناتوانی اشاره دارد که اغلب منجر به این باور میشود که فرد به نحوی نسبت به دیگران کمبود یا نقص دارد. این احساس میتواند ناشی از تربیت در دوران کودکی، محدودیتهای جسمی و ذهنی، یا تجارب مربوط به وضعیت اجتماعی پایین باشد. آدلر بین احساس حقارت اولیه که ریشه در تجربه ضعف، درماندگی و وابستگی کودک دارد و احساس حقارت ثانویه که در بزرگسالی به دلیل ناتوانی در رسیدن به هدف ناخودآگاه امنیت و موفقیت ایجاد میشود، تمایز قائل بود. سبکهای فرزندپروری افراطی (هم نوازش بیش از حد و هم غفلت) میتوانند در ایجاد عقده حقارت نقش داشته باشند (بریتانیکا، ۲۰۲۴).

افراد، برای جبران این احساس، به دنبال برتری و کمال هستند. ما اگر تلاش برای برتری، به شیوه‌ای ناسالم صورت گیرد، میتواند منجر به ایجاد عقده حقارت شود. عقده حقارت زمانی ایجاد میشود که فرد نتواند به طور سازنده با احساسات حقارت خود کنار بیاید. این احساس میتواند به صورت افراطی در افرادی که در کودکی مورد بی‌توجهی، تحقیر یا تبعیض قرار گرفته‌اند، بروز کند.

سبک زندگی^۳

سبک زندگی به شیوه منحصر به فرد و ثابت فرد در پاسخ به وظایف اساسی زندگی (دوستی، عشق و کار) اشاره دارد. آدلر، سبک زندگی را الگوی رفتاری منحصر به فرد هر فرد میدانست که در دوران کودکی شکل میگیرد. سبک زندگی، شامل اهداف، ارزش‌ها، و باورهای فرد است و نحوه تعامل او با جهان و دیگران را تعیین میکند (آدلر،

^۱- Inferiority Complex

^۲- Feist & Feist

^۳- Lifestyle

۱۹۵۶). این سبک در اوایل کودکی شکل میگیرد و تا پایان عمر نسبتاً ثابت باقی میماند، مگر آنکه از طریق روان‌درمانی عمیق تغییر کند.

سبک زندگی شامل خودانگاره، خودایده‌آل، موضع اخلاقی و دیدگاه فرد نسبت به جهان است. آدلر چهار نوع اصلی سبک زندگی را شناسایی کرد: نوع سلطه‌گر (تهاجمی و مسلط با علاقه اجتماعی کم)، نوع گیرنده (وابسته و بهره‌کش)، نوع اجتناب‌کننده (تلاش برای فرار از مشکلات زندگی با مشارکت اجتماعی کم) و نوع مفید اجتماعی (دارای علاقه اجتماعی زیاد و مشارکت فعال) (اوور هولسر، ۲۰۱۰: ۳۴۸-۳۵۵).

علاقه اجتماعی^۲

علاقه اجتماعی؛ به معنای احساس تعلق به جامعه، همدلی و توجه به رفاه دیگران و جامعه است. آدلر این مفهوم را به عنوان «حس جهت‌گیری برای زندگی جمعی با دیگران و سبک زندگی که به منافع مشترک فراتر از منافع و خواسته‌های فرد احترام میگذارد» تعریف کرد (بایتر و همکاران، ۲۰۰۹: آنسباخر و آنسباخر، ۱۹۶۴). او معتقد بود که افراد سالم، دارای علاقه اجتماعی بالایی هستند و به رفاه دیگران اهمیت میدهند. علاقه اجتماعی، نقش مهمی در سلامت روان و سازگاری اجتماعی افراد دارد. آدلر، بر اهمیت عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکلگیری شخصیت و همچنین بر اهمیت روابط اجتماعی، احساس تعلق و همبستگی با دیگران و مسئولیت اجتماعی تأکید داشت. او معتقد بود که شخصیت انسان، در تعامل با دیگران و در بستر اجتماعی شکل میگیرد (فیست و فیست، ۲۰۰۹). علاقه اجتماعی با سلامت روان مرتبط است و به افراد در مقابله با مشکلات زندگی کمک میکند (فریشل و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲). فقدان علاقه اجتماعی میتواند منجر به رفتارهای ناسازگارانه و ضد اجتماعی شود (بایتر و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۷).

تلاش برای برتری^۳

تلاش برای برتری، انگیزه اساسی انسان برای غلبه بر احساس حقارت و حرکت به سوی خودبهبودی، کمال یا تمامیت است. آدلر بعدها این مفهوم را به عنوان تلاش برای کمال یا سودمندی اجتماعی به جای سلطه بر دیگران تعریف کرد (واتس، ۲۰۰۳: ۴۶). این تلاش توسط خودایده‌آل فرد هدایت میشود (ویسینگ، ۲۰۱۸). آدلر بین تلاش سالم برای کمال (مانند تلاش برای موفقیت در کار) و تلاش ناسالم برای برتری (مانند تلاش برای قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی خودمحورانه) تمایز قائل بود. تلاش برای کمال به معنای تلاش برای شایستگی بیشتر هم برای خود و هم برای منافع مشترک بشریت است، در حالی که تلاش برای برتری به معنای حرکت خودمحورانه برای برتری بر دیگران است (واتس، ۲۰۰۳: ۴۷).

هدف نهایی^۴

از دیدگاه آلفرد آدلر، هدف نهایی یک مفهوم کلیدی برای درک رفتار انسان است. آدلر معتقد بود که هر فردی، از همان دوران کودکی، یک هدف نهایی و آرمانی را در ذهن خود می‌سازد که اغلب از واقعیت دور است و ریشه در

^۱- Overholser

^۲- Social Interest

^۳- Froeschle et al.

^۴- Striving for Superiority

^۵- Wissing

^۶- Fictional Finalism

«تخیل» دارد. این هدف، که اغلب به صورت ناخودآگاه عمل میکند، مانند یک قطب‌نمای درونی، تمامی رفتارها، انتخاب‌ها، و سبک زندگی فرد را جهت می‌دهد. این هدف برای جبران احساس حقارت و رسیدن به برتری شکل می‌گیرد. در حقیقت، انسان‌ها به سوی آینده‌ای خیالی حرکت میکنند که در آن، از احساس حقارت رها شده و به نوعی از کمال یا برتری دست یافته‌اند (آنسباخر و آنسباخر، ۱۹۶۴).

این هدف نهایی لزوماً یک هدف ملموس و منطقی نیست، بلکه میتواند یک باور، یک آرزو، یا یک تصویر ذهنی از «خود آرمانی» باشد. برای مثال، هدف نهایی یک فرد ممکن است «همیشه در مرکز توجه بودن» باشد، که این هدف خیالی، تمام رفتارهای او را در جهت جلب توجه و تأیید دیگران شکل می‌دهد. از آنجا که این هدف نهایی تخیلی است و ریشه در برداشتهای ذهنی فرد دارد، آدلر آن را «غایت‌گرایی تخیلی» نیز نامید (موساک و دریکرز، ۱۹۶۷). این هدف، به فرد انگیزه میدهد که علی‌رغم مشکلات و چالش‌های زندگی، به حرکت خود ادامه دهد.

تحلیل شخصیت‌های منظومه با رویکرد آدلر

برای تحلیل شخصیت‌های منظومه لیلی و مجنون بر اساس دیدگاه روانشناسی فردی آدلر، به دنبال بررسی مفاهیم کلیدی آدلر در رفتارها و تصمیمات آنها هستیم. این مفاهیم شامل «احساس حقارت»، «سبک زندگی»، «علاقه اجتماعی»، «تلاش برای برتری» و «هدف نهایی» هستند.

تحلیل شخصیت لیلی

در منظومه نظامی، لیلی به عنوان شخصیتی محصور در قید و بند انتظارات و محدودیتهای اجتماعی به تصویر کشیده میشود.

احساس حقارت

در جامعه‌ای که عشق و ازدواج زنان تحت کنترل خانواده و عرف قبیله است، لیلی احتمالاً احساس حقارت ناشی از ناتوانی در تعیین سرنوشت خود، به ویژه در زمینه عشق، را تجربه میکند. پدر لیلی با شنیدن اشعار عاشقانه مجنون و رفتارهای غیرمتعارف او، نگران آبروی خانواده و قبیله شده و از ازدواج آن‌ها جلوگیری میکند. این امر میتواند در لیلی احساس ناتوانی و بی‌ارزشی را تقویت کرده باشد، زیرا او قادر به پیگیری عشق خود نیست و مجبور به اطاعت از خواسته‌های خانواده است. به عنوان مثال، نظامی در منظومه خود به این محدودیتهای اجتماعی اشاره میکند:

ترسم که ز بیخودی و خامی	بیگانه شوم ز نیکنامی
زهری به دهن گرفته نوشم	دوخ به گیاه خشک پوشم
از یک طرفم غم غریبان	وز سوی دگر غم رقیبان
من زین دو علاقه قوی دست	در کشمکش اوفتاده پیوست
نه دل که به شوی برستیزم	نه زهره که از پدر گریزم
گه عشق دلم دهد که: برخیز	زین زاغ و زغن چو کبک بگریز
گه گوید نام و ننگ: بنشین	کز کبک قوی‌تر است شاهین

(رسیدن نامه لیلی به مجنون، ص ۱۸۴)

این ابیات نشان می‌دهد که چگونه فشارهای اجتماعی و نگرانی از آبرو، لیلی و خانواده‌اش را تحت تأثیر قرار داده و منجر به جدایی او از مجنون می‌شود.

سبک زندگی

سبک زندگی لیلی در منظومه نظامی، بازتابی از تبعیت او از هنجارهای اجتماعی و وفاداری‌اش به خانواده است. او به عنوان یک زن جوان از خانواده‌ای محترم، ملزم به رعایت آداب و رسوم و حفظ آبروی خانوادگی است. با وجود عشق عمیقش به مجنون، او در برابر خواسته‌های پدرش تسلیم شده و با مرد دیگری ازدواج می‌کند. با این حال، او هرگز به همسرش علاقه‌ای پیدا نمی‌کند و تا پایان عمر به عشق مجنون وفادار می‌ماند. این رفتار نشان می‌دهد که سبک زندگی لیلی تحت تأثیر شدید فشارهای خارجی و احساس وظیفه او شکل گرفته است. او احتمالاً دارای یک سبک زندگی «گیرنده» است، به این معنا که برای تأیید و امنیت به انتظارات جامعه و خانواده‌اش وابسته است. نظامی در این باره می‌گوید:

لیلی ز پدر بدین حکایت	رنجید چنان که بی‌نهایت
در پرده نهفته آه می‌داشت	پرده ز پدر نگاه می‌داشت
چون رفت پدر ز پرده بیرون	شد نرگس او ز گریه گلگون
چندان ز ره دو دیده خون راند	کز راه خود آن غبار بنشاند

(دادن پدر لیلی را به این سلام، ص ۱۳۶)

این ابیات بیانگر سکوت و انفعال لیلی در برابر سرنوشت تحمیل شده و نشان‌دهنده سبک زندگی او بر اساس پذیرش و تحمل است.

علاقه اجتماعی

در زمینه علاقه اجتماعی، به نظر می‌رسد که تمرکز اصلی لیلی بر رنج شخصی و عشقش به مجنون است و شواهد کمی از دغدغه او برای رفاه جامعه فراتر از این دایره محدود وجود دارد. اگرچه او از رنج مجنون آگاه است و احتمالاً برای او دلسوزی می‌کند، اما اقدامات او عمدتاً معطوف به حفظ موقعیت خود و خانواده‌اش در جامعه است. این ممکن است نشان‌دهنده سطح پایین‌تری از علاقه اجتماعی به معنای اخص آدلر باشد. با این حال، رنجی که لیلی تحمل می‌کند، ناشی از همین فشارهای اجتماعی است که نشان می‌دهد او نیز قربانی ساختارهای اجتماعی است.

تلاش برای برتری

تلاش برای برتری در شخصیت لیلی می‌تواند در وفاداری بی‌دریغ او به مجنون و امتناعش از برقراری رابطه زناشویی کامل با همسرش نمود یابد. او با وجود ازدواج اجباری، عشق خود به مجنون را حفظ می‌کند و از این طریق، نوعی تلاش برای حفظ یک ایده آل عشقی خالص را به نمایش می‌گذارد. این تلاش، اگرچه به قیمت رنج شخصی او تمام می‌شود، اما نشان‌دهنده تمایل او به فراتر رفتن از محدودیت‌های تحمیل شده و حفظ ارزش‌های درونی‌اش است. نظامی در وصف این وفاداری می‌گوید:

چون بخت تو در فراقم از تو	جفت توام، ارچه طاقم از تو
وان جفت نهاده، گرچه جفتست	سرباسر من شبی نخفتست
من سوده ولی درم نسوده‌ست	الماس کسش نیازموده‌ست
گنج گهرم که دربه‌مهر است	چون غنچه باغ سربه‌مهر است

شوی ارچه شکوه شوی دارد بی روی توام چه روی دارد؟
(مفاد نامه لیلی به مجنون، ص ۱۸۸)

این ابیات به وضوح نشان می‌دهد که چگونه لیلی با وجود ازدواج، در قلب خود به عشق مجنون وفادار مانده و در تلاش برای حفظ این عشق است.

هدف نهایی

هدف نهایی لیلی، هرچند به صورت ناخودآگاه و تحت‌الشعاع فشارهای اجتماعی و خانوادگی، حفظ اصالت عشق خود به مجنون و نگهداری از پاکی هویت درونی‌اش است. او نمیتواند سرنوشت بیرونی خود را تغییر دهد و مجبور به پذیرش ازدواج با ابن سلام میشود، اما هدف نهایی او این است که در عمق وجود خود، به عشق مجنون وفادار بماند و اجازه ندهد که این ازدواج تحمیلی، ذات و روح او را آلوده کند. او ترجیح می‌دهد رنج بکشد و حتی بمیرد، اما به آرمان عشق پاک و معصوم خود خیانت نکند. این هدف، او را به سمت مقاومت درونی، ریاضت روحی، و در نهایت فناء جسمی در راه حفظ این آرمان میکشاند.

امتناع از همبستری با ابن سلام با وجود ازدواج شرعی، نشان‌دهنده همین هدف نهایی است. او با اینکه از نظر ظاهری تسلیم جبر شده، اما در عمق وجود خود و در رفتار نهایی‌اش، به هدف نهایی خود یعنی وفاداری به عشق پاک و معصومانه، پایبند میماند.

تحلیل شخصیت مجنون

در منظومه نظامی، مجنون با احساس حقارت شدیدی روبرو است که احتمالاً ناشی از ناتوانی او در انطباق با انتظارات اجتماعی در زمینه عشق و ازدواج و در نتیجه طرد شدن از جامعه است.

احساس حقارت

عشق علنی و بی‌پرده او به لیلی و رفتارهای غیرمعارفش منجر به لقب «مجنون» (دیوانه) و انزوای اجتماعی او میشود. این طرد شدن میتواند احساس بی‌کفایتی و نقص را در او تشدید کرده باشد. نظامی در این باره میگوید:

مجنون رمیده نیز در دشت سرگشته چو بخت خویش می‌گشت
بی عذر همی دوید عذرا در موکب وحشیان صحرا
(رسیدن نوفل به مجنون، ص ۱۰۳)

این ابیات نشان می‌دهد که چگونه مجنون پس از ناامیدی از وصال لیلی، عقل خود را از دست داده و به بیابان پناه میبرد، که این خود ناشی از احساس حقارت و ناتوانی در برابر موانع اجتماعی است.

سبک زندگی

سبک زندگی مجنون با عشق وسواس‌گونه‌اش به لیلی، کناره‌گیری از جامعه، انس با طبیعت و بیان شاعرانه مشخص میشود. او پس از طرد شدن، زندگی در بیابان را برگزیده و تمام تمرکز خود را بر عشق به لیلی معطوف میکند. او خود را «مجنون» مینامد و دیدگاه منحصر به فردی نسبت به جهان بر اساس عشق و فراق دارد. سبک زندگی او احتمالاً با نوع «اجتناب‌کننده» از سبکهای زندگی اشتباه آدلر همخوانی دارد، زیرا او از فشارهای اجتماعی و وظایف زندگی متعارف دوری میکند. نظامی در وصف این سبک زندگی میگوید:

بر خاک فتاده چون ذلیلان در زیر درختی از مغیلان
زان روی که روی کار نشناخت خار از گل و گل ز خار نشناخت
(آگاهی مجنون از شوهر کردن لیلی، ص ۱۴۳)

وحشی شده و رسن گسسته	وز طعنه و خوی خلق رسته
خو کرده چو وحشیان صحرا	با بیخ نباتهای خضرا
نه خوی دد و نه حیطه دام	با دام و ددش همراه آرام

(انس مجنون با وحوش و سباع، ص ۱۶۷)

این ابیات نمایانگر انزوای مجنون و ارتباط او با طبیعت به جای جامعه انسانی است، که نشان‌دهنده سبک زندگی منحصر به فرد اوست.

علاقه اجتماعی

مجنون علاقه اجتماعی بسیار پایینی از خود نشان می‌دهد. او از جامعه انسانی بریده و بیشتر وقت خود را با حیوانات می‌گذراند. غرق شدن کامل او در عشق به لیلی منجر به کاهش چشمگیر علاقه او به تعاملات اجتماعی و رفاه دیگران شده است. او اولویت را به وسواس شخصی خود داده و از ارتباطات انسانی دوری می‌گزیند. نظامی در این باره می‌گوید:

هر وحش که بود در بیابان	در خدمت او شد شتابان
از شیر و گوزن و گرگ و روباه	لشکرگاهی کشیده بر راه

(انس مجنون با وحوش و سباع، ص ۱۶۷)

این ابیات به صراحت بیان می‌کنند که مجنون هیچ علاقه‌ای به معاشرت با انسان‌ها ندارد و بیشتر با حیوانات و طبیعت مأنوس است.

تلاش برای برتری

تلاش برای برتری در مجنون به شکل پیگیری یک عشق ایده‌آل و کامل برای لیلی نمایان می‌شود که از صمیمیت جسمانی فراتر می‌رود. او بارها فرصت ملاقات با لیلی را داشته اما از تماس فیزیکی با او امتناع می‌کند، زیرا معتقد است عشق آن‌ها باید از امیال نفسانی و خودخواهانه پاک باشد. این تلاش برای رسیدن به یک عشق کامل می‌تواند به عنوان یک هدف بسیار خودمحورانه تلقی شود که منجر به انزوای او و در نهایت مرگ او می‌شود. این نشان‌دهنده یک جهتگیری ناسالم در تلاش برای برتری است.

از شهوت عذرهای خاکی	معصوم شده به غسل پاکی
ز آرایش نفس باز رسته	بازار هوای خود شکسته
عشق است خلاصه وجودم	عشق آتش گشت و من چو عودم

(پاسخ مجنون به سلام بغدادی، ص ۲۲۴)

نظامی در بخش زاری کردن مجنون در عشق لیلی می‌گوید:

عشقی که نه عشق جاودانی است	بازیچه شهوت جوانی است
عشق آن باشد که کم نگردد	تا باشد از این قدم نگردد

(زاری کردن مجنون در عشق لیلی، ص ۷۸)

این ابیات نشان می‌دهد که مجنون حتی در دیدار با لیلی نیز از هرگونه تماس جسمانی پرهیز می‌کند، زیرا عشق او فراتر از هوسهای دنیوی است و او در تلاش برای رسیدن به یک عشق خالص و برتر است.

هدف نهایی

هدف نهایی مجنون، رسیدن به عشقی کاملاً ایده‌آل، روحانی و متعالی است که فراتر از هرگونه قید و بند مادی، جسمانی، یا اجتماعی باشد. او به دنبال وصالی است که در واقعیت امکان‌پذیر نیست و این ناکامی در عالم واقع، او را به سوی ساختن دنیایی درونی و خیالی سوق میدهد. «جنون» و کناره‌گیری او از اجتماع، ابزاری برای رسیدن به این هدف نهایی است؛ چرا که او معتقد است عشق حقیقی نمیتواند در چارچوبهای عرفی و زمینی جای گیرد و برای رسیدن به آن باید از همه تعلقات دست شست. رفتار او در بیان، دوری از انسان‌ها و الفت با حیوانات؛ این‌ها همه نشان‌دهنده تلاش برای فرار از دنیای مادی و رسیدن به عشقی غیرزمینی است.

تحلیل شخصیت ابن سلام

ابن سلام، از جمله شخصیهایی است که در منظومه لیلی و مجنون، به عنوان رقیب عشقی مجنون و شوهر لیلی مطرح میشود. با بررسی ابیات مربوط به او، میتوان ویژگیهایی را در شخصیت وی مشاهده کرد که با مفاهیم روانشناسی فردی آدلر قابل تحلیل هستند:

احساس حقارت و جبران آن:

ابن سلام فردی از «بنی اسد» است که دارای مال و ثروت فراوان میباشد. با وجود تمام ثروت و قدرت ظاهری، میتوان این فرضیه را مطرح کرد که ابن سلام ممکن است در ناخودآگاه خود از نوعی احساس حقارت رنج میبرده است. این احساس میتواند ناشی از آگاهی او به عشق عمیق لیلی و مجنون باشد. او میداند که لیلی او را دوست ندارد و دلش با مجنون است.

دانست	کزو	فراغ	دارد	جز	وی	دیگری	چراغ	دارد
(بردن ابن سلام لیلی را به خانه خود، ص ۱۴۱)								

این آگاهی، میتواند به نوعی احساس حقارت در او دامن زده باشد. تلاش او برای تملک لیلی، حتی با زور و اصرار، میتواند جبرانی برای این احساس باشد؛ تلاشی برای اثبات ارزش خود، حتی اگر این ارزش از طریق عشق واقعی به دست نیاید. این جبران، نه از طریق رشد درونی، بلکه از طریق کسب یک شیء ارزشمند (لیلی) صورت میگیرد. گفتا چو ز مهر او چنینم آن به که درو ز دور بینم (بردن ابن سلام لیلی را به خانه خود، ص ۱۴۱)

این بیت نشان دهنده عشق یک‌طرفه و پافشاری بر آن، حتی به قیمت عدم وصال کامل با لیلی است.

سبک زندگی

سبک زندگی ابن سلام به وضوح بر پایه ثروت، موقعیت اجتماعی و قدرت بنا شده است. او برای به دست آوردن آنچه میخواهد، از ابزارهای مادی و نفوذ خود استفاده میکند. این رویکرد در خواستگاری لیلی نیز مشهود است. او از قاصد برای رساندن «پیش‌کشی ز هر طوایف» استفاده میکند. این نشان میدهد که او به جای تکیه بر جنبه‌های عاطفی یا تناسب شخصیتی، بر قدرت و ثروت خود برای رسیدن به اهدافش تکیه دارد. همچنین پذیرفتن مهریه سنگین برای لیلی نیز شاهدی بر این مدعاست.

پذرفت	هزار	گنج	شاهی	وز رم	گله،	بیش	از آنکه	خواهی
(خواستاری ابن سلام لیلی را، ص ۱۰۱)								

علاقه اجتماعی

از دیدگاه آدلر، علاقه اجتماعی به معنای احساسات تعلق به جامعه و مشارکت در رفاه جمعی است. در مورد ابن سلام، به نظر نمی‌رسد که او انگیزه‌هایی فراتر از منافع شخصی و اثبات برتری خود داشته باشد. ازدواج با لیلی، بیشتر یک تصاحب و تملک است تا یک رابطه مبتنی بر همدلی و درک متقابل. او به نیازهای عاطفی و خواسته‌های لیلی توجهی ندارد و صرفاً به دنبال دستیابی به هدف خود (تملک لیلی) است. لیلی «میزبست در آن شکنجه تنگ / چون دانه لعل در دل سنگ» و «میکرد به چابکی شکویی / میداد فریب را فریبی». این نشان می‌دهد که لیلی در این رابطه شاد نیست و ابن سلام متوجه این وضعیت نیست یا نمی‌خواهد باشد.

با نخل رطب چو گشت گستاخ	دستی به رطب کشید بر شاخ
زان نخل رونده خورد خاری	کز درد نخفت روزگاری

(بردن ابن سلام لیلی را به خانه خود، ص ۱۴۱)

بیت فوق نیز استعاره‌ای از تلاش ابن سلام برای تملک لیلی و واکنش شدید لیلی به این اقدام است.

تلاش برای برتری

توصیفات نظامی از ابن سلام نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی بالا، ثروت و نفوذ او در قبیله است. اقدام او برای خواستگاری لیلی، علیرغم آگاهی از عشق لیلی و مجنون، میتواند تلاشی برای تثبیت و افزایش جایگاه اجتماعی و قدرت خود تلقی شود. او با «طاق و طرب پادشاهی» و آوردن «خزین‌های بسیار»، «عنبر به من و شکر به خروار» به خواستگاری لیلی می‌آید. «زر که به یک جوش ستیزند» و «میریخت چنانکه ریگ ریزند». این بذل و بخشش فراوان و به نمایش گذاشتن ثروت، نشانه‌ای از تلاش او برای اثبات برتری و جلب رضایت پدر لیلی از طریق قدرت مالی است.

آمد ز پی عروس خواهی	با طاق و طرب پادشاهی
آورد خزین‌های بسیار	عنبر به من و شکر به خروار
زان زر که به یک جوش ستیزند	می ریخت چنانکه ریگ ریزند

(دادن پدر لیلی را به ابن سلام)

آن زر نه که او چو ریگ می بیخت	بر کشتن خصم ریگ میریخت
-------------------------------	------------------------

(دادن پدر لیلی را به ابن سلام، ص ۱۳۸-۱۳۷)

کین شاهسوار شیر پیکر	روی عربست و پشت لشگر
صاحب تبع و بلندنام است	اسباب بزرگیش تمام است

(دادن پدر لیلی را به ابن سلام، ص ۱۳۸)

ابیات فوق اشاره به قدرت مالی او حتی در نابودی دشمنان و توصیف قاصد از ابن سلام به عنوان فردی قدرتمند و پشتوانه لشگر دارد.

هدف نهایی

هدف نهایی ابن سلام، هرچند ناخودآگاه، تصاحب و تملک لیلی به عنوان نمادی از قدرت، ثروت و جایگاه اجتماعی است. او لیلی را نه به عنوان یک انسان با احساسات و خواسته‌های مستقل، بلکه به عنوان شیئی گرانبها و دست‌نیافتنی می‌بیند که تملک آن میتواند برتری او را در جامعه تثبیت کند. او با پرداخت «هزار گنج شاهی» و «زر چو خاک میریخت» سعی در خریدن لیلی دارد. ناکامی در دستیابی به عشق واقعی لیلی، او را به سمت اعمال زور و اصرار بر ازدواج سوق می‌دهد، زیرا هدف نهایی او، کسب و تثبیت این نماد بیرونی برتری (تصاحب لیلی)

است، نه ایجاد یک رابطه عاطفی سالم. این هدف، او را به سمت خودمحوری و نادیده گرفتن احساسات لیلی هدایت میکند.

تحلیل شخصیت پدر لیلی

پدر لیلی شخصیتی است که تصمیماتش تأثیر مستقیمی بر سرنوشت لیلی و مجنون دارد. با بررسی ابیات ارائه شده، میتوان ویژگیهای زیر را در او مشاهده کرد:

احساس حقارت

اگرچه پدر لیلی در ظاهر قدرتمند و مصلحت‌اندیش است، اما میتوان این فرضیه را مطرح کرد که او نیز ممکن است در ناخودآگاه خود از نوعی احساس حقارت پنهان^۱ رنج می‌برده است. این احساس میتواند ناشی از موقعیت اجتماعی مجنون (که ممکن بود آبروی خانواده را به خطر بیندازد) و نیاز او به «حیله‌گری» برای رهایی از وضعیت باشد. پذیرش بی‌چون و چرای ثروت و نفوذ ابن سلام، بدون توجه به احساسات دخترش، میتواند نوعی جبران برای این احساس حقارت باشد؛ تلاشی برای ارتقاء جایگاه از طریق ارتباط با قدرتمندان.

قاصد چو بسی سخن در این راند مسکین پدر عروس درماند
(دادن پدر لیلی را به ابن سلام، ص ۱۳۹)

این عبارت میتواند نشان‌دهنده ضعف و ناچاری پدر در برابر قدرت و ثروت ابن سلام باشد.

بر کردن آن عمل رضا داد مه را به دهان اژدها داد
(دادن پدر لیلی را به ابن سلام، ص ۱۳۹)

این تصمیم تلخ و «مه را به دهان اژدها دادن»، نشان‌دهنده نوعی اجبار و احساس ناتوانی در برابر وضعیت موجود است، که میتواند با احساس حقارت درونی مرتبط باشد.

سبک زندگی

سبک زندگی پدر لیلی بر اساس مصلحت‌اندیشی و تأمین منافع خانواده بنا شده است. او تصمیماتی می‌گیرد که به زعم خودش بهترین نتیجه را برای آینده لیلی و اعتبار خانواده به همراه داشته باشد، حتی اگر این تصمیمات با خواسته‌های درونی لیلی در تعارض باشد.

او را پدر از بزرگواری میداشت چو در در استواری
(دادن پدر لیلی را به ابن سلام، ص ۱۳۷)

او «میداشت چو در در استواری» لیلی را در خانه و او را از گزند بیرونی حفظ میکرد. این استواری در واقع یک نوع کنترل بر زندگی لیلی برای حفظ آبرو و یافتن بهترین گزینه از نظر اجتماعی و مالی است.

تعویق ازدواج لیلی با ابن سلام به دلیل «ناتوانی» لیلی، نشان‌دهنده ملاحظات پدر در مورد زمان مناسب ازدواج است.

کاین تازه بهار بوستانی دارد عرضی ز ناتوانی
چون ماه ز بهیش باز خندیم شکرانه دهیم و عقد بندیم
(خواستاری ابن سلام لیلی را، ص ۱۰۲)

این ابیات نشان میدهد که پدر لیلی به زمان مناسب برای برگزاری ازدواج و حصول اطمینان از سلامت لیلی توجه دارد.

^۱ Potential Hidden Feelings of Inferiority

علاقه اجتماعی

پدر لیلی در این منظومه، به نظر میرسد که فاقد بعد علاقه اجتماعی نسبت به نیازهای عاطفی و روحی لیلی است. او به جای توجه به عشق لیلی به مجنون و تأثیر ازدواج اجباری بر روحیه او، صرفاً به جنبه‌های مادی و اجتماعی ازدواج می‌اندیشد. لیلی «رنجید چنانکه بی‌نهایت» از تصمیم پدر، اما پدر به این رنج توجهی نمیکند.

لیلی از پدر بدین حکایت	رنجید چنانکه بی‌نهایت
در پرده نهفته آه می‌داشت	پرده ز پدر نگاه می‌داشت
(دادن پدر لیلی را به ابن سلام، ص ۱۳۶)	

لیلی رنج خود را از پدر پنهان میکند، که نشان‌دهنده عدم همدلی و گشاده‌رویی پدر است.

تلاش برای برتری

پدر لیلی در مواجهه با خواستگاری مجنون، ابتدا او را طرد میکند. این طرد میتواند ناشی از نگرانی او بابت آبرو و شرم در جامعه باشد، زیرا مجنون «عشق رسوا» شده بود و نام خانوادگی لیلی را با «جنون» خود پیوند زده بود. پدر لیلی تلاش میکند تا با رد مجنون، جایگاه اجتماعی و آبروی خانواده را حفظ کند و از هرگونه رسوایی احتمالی جلوگیری کند. هنگامی که ابن سلام با ثروت و قدرت فراوان به خواستگاری لیلی می‌آید، پدر لیلی بدون در نظر گرفتن علاقه و احساسات لیلی، به این ازدواج رضایت میدهد. این تصمیم میتواند به عنوان تلاشی برای ارتقاء و تثبیت جایگاه اجتماعی خود و خانواده‌اش از طریق پیوند با فردی متمول و قدرتمند (ابن سلام) تعبیر شود. او به دنبال کسب «سیم خدا» و «قوت پشت» برای خانواده خود است.

هدف نهایی

هدف نهایی پدر لیلی، حفظ ناموس، آبرو و اعتبار قبیله و خانواده در جامعه سنتی است. او به شدت نگران شهرت و جایگاه خانوادگی خود است و رفتارها و عشق مجنون به لیلی را تهدیدی جدی برای این هدف نهایی میبیند. تمامی تصمیمات او، از ممانعت با ازدواج لیلی و مجنون گرفته تا اصرار بر ازدواج لیلی با ابن سلام ثروتمند و بانفوذ، در راستای رسیدن به این هدف نهایی یعنی تضمین سلامت و آبروی اجتماعی قبیله صورت میگیرد. این هدف، او را به سمت تصمیمات خشک و قاطعانه سوق میدهد که رنج عاطفی لیلی را نادیده میگیرد. در بخش خواستگاری ابن سلام، پذیرش درخواست ازدواج ابن سلام ثروتمند و دارای نفوذ، با وجود آگاهی از عشق لیلی به مجنون، برای «بستن امید» و «سخن به جای» گفتن، نشان‌دهنده همین هدف نهایی است. او اعتبار قبیله را با این ازدواج محکم میکند.

تحلیل شخصیت پدر مجنون

پدر مجنون از شخصیت‌های محوری منظومه است که عشق و دلسوزی او به فرزندش، او را وادار به انجام کارهای مختلفی میکند. با بررسی ابیات ارائه شده، میتوان ویژگیهای زیر را در او مشاهده کرد:

احساس حقارت

در آغاز داستان، پدر مجنون بخاطر نداشتن فرزند به عنوان «محتاج تر از صدف به فرزند» و «آرزومند» داشتن پسری توصیف میشود. این وضعیت، یعنی نداشتن وارث و «شمع بی نور» بودن، میتواند در او احساس حقارت

عمیقی ایجاد کرده باشد. این احساس تا جایی پیش می‌رود که برای یافتن راه چاره «در می‌طلبید و در نمی‌یافت» و «بسیار دوید و مال پرداخت».

محتاج تر از صدف به فرزند	چون خوشه بدانه آرزومند
در حسرت آنکه دست بختش	شاخی بدر آرد از درختش

(آغاز داستان، ص ۵۸)

تولد مجنون ابتدا این احساس را جبران می‌کند. اما با عاشق شدن و «رسوایی» مجنون، این احساس حقارت به شکلی دیگر باز می‌گردد. پدر مجنون «غمگین از حکایت او» است و «مسکین پدرش بمانده در بند».

مسکین پدرش بمانده در بند	رنجور دل از برای فرزند
در پرده آن خیال بازی	بیچاره شده ز چاره سازی

(رفتن پدر مجنون به خواستاری لیلی، ص ۷۰)

وضعیت مجنون، آبروی او و خانواده‌اش را به خطر می‌اندازد و باعث می‌شود که او احساس ناتوانی و حقارت در برابر این «فتنه» کند.

سبک زندگی

سبک زندگی پدر مجنون، پس از عشق مجنون، کاملاً حول محور دغدغه فرزند و نقش پدری شکل می‌گیرد. او از «پیر پسر به باد داده» و «یعقوب ز یوسف اوفتاده» توصیف می‌شود. این توصیفات نشان‌دهنده رنج عمیق و اندوه بی‌پایان او در مورد فرزندش است. او «آهی به شکنجه درج می‌کرد» و «عمری به امید خرج می‌کرد». این زندگی تماماً وقف تلاش برای نجات فرزندش می‌شود، تا جایی که از کار و زندگی عادی باز میماند و «ناسود ز چاره باز جستن».

کان پیر پسر به باد داده	یعقوب ز یوسف اوفتاده
چون مجنون را رمیده دل دید	زارامش او امید ببرید
آهی به شکنجه درج می‌کرد	عمری به امید خرج می‌کرد

(رفتن پدر مجنون به دیدن فرزند، ص ۱۴۹)

علاقه اجتماعی

پدر مجنون نسبت به جامعه و خانواده‌اش احساس مسئولیت‌پذیری بالایی دارد. او از یک سو نگران آبروی خانواده است و از سوی دیگر به دنبال نجات فرزندش، که این خود نشان‌دهنده نوعی «علاقه اجتماعی» در دایره نزدیک خانواده است. او برای حل مشکل مجنون، با خویشان مشورت می‌کند و آن‌ها را درگیر موضوع می‌کند. این نشان می‌دهد که او به ارتباطات و حمایت اجتماعی اهمیت می‌دهد. البته این «علاقه اجتماعی» بیشتر در جهت حفظ ساختار و آبروی خانواده و نجات فرزند است تا یک علاقه اجتماعی به معنای گسترده آدلر که شامل رفاه عموم جامعه باشد.

خویشان همه در شکایت او	غمگین پدر از حکایت او
پندش دادند پند نشنید	گفتند فسانه چند، نشنید

(رفتن پدر مجنون به خواستاری لیلی، ص ۷۰)

پیران	قبیله	نیز	یکسر	بستند	بران	مراد	محضر
				(رفتن پدر مجنون به خواستاری لیلی، ص ۷۰)			
گفتند	به	اتفاق	یکسر	کز کعبه	گشاده	گردد	این در
				(بردن پدر مجنون را به خانه کعبه، ص ۷۹)			

ابیات فوق نشاندهنده حمایت و دغدغه خانواده در حل مشکل مجنون، مشارکت دادن بزرگان قبیله در حل مشکلات و مشورت با جمع و پذیرش راهکار جمعی میباشد.

تلاش برای برتری

پدر مجنون برای جبران احساس حقارت ناشی از نداشتن فرزند و سپس وضعیت نامطلوب مجنون، به طرق مختلفی دست میزند. این تلاش‌ها عمدتاً در جهت «نرمال» کردن وضعیت مجنون و بازگرداندن او به «عقل» است، که این خود نوعی تلاش برای حفظ آبرو و جایگاه خانوادگی است. او ابتدا به پند و نصیحت متوسل میشود. وقتی این روش‌ها کارساز نیست، او دست به اقدامات عملی و بزرگتری میزند، حتی به کعبه متوسل میشود. این سفر به کعبه و نذر و نیاز، نهایت تلاش او برای حل مشکلی است که از توان او خارج است. او با «گوهر به میان زر برآمیخت» و «چون ریگ بر اهل ریگ میریخت» تا شاید با این اعمال خیر، مجنون شفا یابد. این بذل و بخشش فراوان نیز نوعی جبران و تلاش برای به دست آوردن لطف الهی و نجات فرزند است.

حاجتگاهی	نرفته	نگذاشت	الا که برفت و دست برداشت
			(بردن پدر مجنون را به خانه کعبه، ص ۷۹)

هدف نهایی

هدف نهایی پدر مجنون، در وهله اول، نجات فرزندش از وضعیت جنون و بازگرداندن او به عقل و زندگی عادی است. او تصور میکند که با رفع این مشکل، میتواند به آرامش برسد و آبروی خانواده را حفظ کند. این هدف نهایی، تمام اقدامات و تلاشهای او را جهت میدهد. حتی تا پایان عمر نیز این امید در او زنده است، گرچه «برداشت از و امید بهبود». در نهایت، مرگ پدر نیز نوعی پذیرش ناتوانی در رسیدن به این هدف نهایی را نشان میدهد.

برداشت از و امید بهبود	کان رشته تب پر از گره بود
	(وداع کردن پدر مجنون را، ص ۱۵۸)

بیت فوق نشان‌دهنده عدم موفقیت در رسیدن به هدف نهایی و پذیرش ناتوانی در شفای مجنون است.

تحلیل شخصیت مادر لیلی

مادر لیلی شخصیتی است که بین رنج دخترش و فشارهای اجتماعی و تصمیمات همسرش قرار گرفته است. او دلسوز و نگران لیلی است، اما در نهایت، در برابر اقتدار همسر و مصلحت‌اندیشی‌های خانواده، قدرت تأثیرگذاری چندانی ندارد.

احساس حقارت

مادر لیلی، با دیدن رنج و اندوه دخترش (لیلی که چو گنج شد حصاری / میبود چو ماه در عماری / میزد نفسی گرفته چون میغ / میخورد غمی نهفته چون تیغ)، احساس ناتوانی و درماندگی میکند. او بین «گذارن از دست» (رهایی لیلی و پذیرش عشق او به مجنون) و «صابری» (وادار کردن لیلی به تحمل وضعیت موجود) در تردید است. این تردید و ناتوانی در یافتن راه چاره‌ای مؤثر، میتواند نوعی احساس حقارت یا ضعف در کنترل سرنوشت دخترش

و در برابر فشارهای بیرونی (مثل تصمیم پدر لیلی برای ازدواج با ابن سلام) باشد. او «سرگشته شده چو مرغ در دام» است.

مادر ز پی عروس ناکام	سرگشته شده چو مرغ در دام
می گفت گرش گذارم از دست	آن شیفته گشت و این شود مست
ور صابری بدو نمایم	بر ناید ازو وزو برآیم
	(رفتن لیلی به تماشای بوستان، ص ۱۰۰)
بر حسرت او دریغ میخورد	میخورد دریغ و صبر میکرد
	(رفتن لیلی به تماشای بوستان، ص ۱۰۰)

ابیات بالا نشان‌دهنده دوگانگی و عدم توانایی در یافتن راه حل و رنج و ناتوانی در عمل است.

سبک زندگی

سبک زندگی مادر لیلی، با دلسوزی عمیق نسبت به فرزندش و در عین حال، یک نوع انفعال نسبی در برابر تصمیمات قاطع پدر لیلی مشخص میشود.

داننده راز، راز، ننهفت	با مادرش آنچه دید بر گفت
	(رفتن لیلی به تماشای بوستان، ص ۱۰۰)

این نشان میدهد که لیلی راز خود را با مادرش در میان میگذارد، که این امر حکایت از یک رابطه عاطفی و اعتماد بین آنها دارد. با این حال، مادر توانایی تغییر واقعیت را ندارد و بیشتر به «دریغ خوردن» و «صبر کردن» اکتفا میکند. این انفعال، شاید ناشی از موقعیت زن در آن زمان و عدم توانایی او در مقابله با تصمیمات مرد خانه باشد.

علاقه اجتماعی

مادر لیلی، نسبت به فرزند خود و خانواده‌اش، علاقه اجتماعی قوی از خود نشان میدهد. او نگران آینده لیلی و رنجهای اوست. «مادر ز پی عروس ناکام / سرگشته شده چو مرغ در دام» (نشان‌دهنده نگرانی و دلسوزی مادرانه است) این علاقه اجتماعی در قالب دلسوزی مادرانه و تلاش برای تسکین درد لیلی نمود پیدا میکند. اما این «علاقه اجتماعی» محدود به دایره خانوادگی است و در برابر فشارهای جامعه (که پدر لیلی نماینده آن است)، توانایی غلبه بر قواعد بیرونی را ندارد. «میگفت گرش گذارم از دست» (نشان‌دهنده تلاطم درونی و تلاش برای یافتن بهترین راه حل برای لیلی و خانواده) او مصلحت خانواده و حفظ آبروی آن را در نظر میگیرد و از این رو، نمیتواند به طور کامل در برابر تصمیم پدر لیلی بایستد.

تلاش برای برتری

تلاش مادر لیلی برای برتری، به شکل مستقیم و فعالانه در جهت تغییر وضعیت لیلی نیست، بلکه بیشتر به صورت دلجویی و حمایت عاطفی پنهانی نمود پیدا میکند. او نمیتواند مسیر را تغییر دهد، اما در حد توان خود سعی در کاهش رنج دخترش دارد.

تا مادر مشفقش نوازد	در چاره گریش چاره سازد
	(رفتن لیلی به تماشای بوستان، ص ۱۰۰)

نشان می‌دهد که لیلی امید دارد مادرش بتواند برای او «چاره سازی» کند. این تلاش برای «نوازش» و «چاره سازی» - حتی اگر ناکام بماند - نوعی حرکت به سمت برتری از طریق ایفای نقش والد حامی است، هرچند که این تلاش‌ها به دلیل ساختار جامعه و اقتدار پدری، محدود و نامحسوس است.

هدف نهایی

هدف نهایی مادر لیلی، به نظر میرسد که رسیدن به آرامش و رفاه دخترش است، حتی اگر این آرامش با پذیرش یک واقعیت تلخ (ازدواج با ابن سلام) همراه باشد. او در تلاش است تا رنج دخترش را به حداقل برساند و او را در چارچوب امکانات موجود، به یک زندگی قابل تحمل برساند. این هدف، هرچند با درد و دریغ همراه است، اما همچنان در جهت «بهتر شدن» وضعیت لیلی است، حتی اگر این «بهتر شدن» به معنای شادکامی حقیقی نباشد.

تحلیل شخصیت مادر مجنون

مادر مجنون نمادی از مادری دلسوز و نگران است که عمیقاً از وضعیت فرزندش رنج میبرد و تمام تلاش خود را برای بهبود اوضاعش به کار میگیرد.

احساس حقارت

مادر مجنون با دیدن حال پریشان فرزندش، «الماس شکسته در جگر دید» و در برابر جنون فرزندش ناتوان است.

مادر چو ز دور در پسر دید	الماس شکسته در جگر دید
دید آن گل سرخ زرد گشته	وان آینه زنگ خورد گشته
اندام تنش شکسته شد خورد	ز اندیشه او به دست و پا مرد

(دیدن مادر مجنون را، ص ۲۰۳)

این توصیفات نشان‌دهنده درد عمیق و احساس ناتوانی او در برابر بیماری روحی فرزندش است. «اندام تنش شکسته شد خورد...». به وضوح بیانگر فرسودگی جسمی و روحی او به دلیل شدت نگرانی و احساس ضعف در کمک به مجنون است. این احساس ناتوانی در حل مشکل فرزند، میتواند نوعی احساس حقارت درونی را در او ایجاد کرده باشد.

سبک زندگی

سبک زندگی مادر مجنون، مبتنی بر مراقبت، دلسوزی و وابستگی عاطفی شدید و حول محور نیازها و وضعیت فرزندش می‌چرخد. او زندگی‌اش را وقف مجنون کرده است و هر آنچه در توان دارد، برای او انجام میدهد. این سبک زندگی نشان‌دهنده یک دلبستگی شدید و عمیق مادرانه است که تمام جنبه‌های حیات او را تحت‌الشعاع قرار داده است.

چون شب به نشانه خود آید	هر مرغ به خانه خود آید
از خلق نهفته چند باشی؟	ناسوده نخفته چند باشی؟
روزی دو که عمر هست بر جای	بر بستر خود دراز کن پای

(دیدن مادر مجنون را، ص ۲۰۳)

او تلاش میکند مجنون را به یک زندگی متعارف و امن هدایت کند، زیرا این زندگی را برای او بهترین میدانند.

علاقه اجتماعی

مادر مجنون دارای «علاقه اجتماعی» بالایی است، اما این علاقه بیشتر در دایره بسیار نزدیک خانواده، به ویژه فرزندش، متمرکز است. او به رفاه و آسایش مجنون اهمیت میدهد و تمام وجودش را وقف او کرده است. این علاقه اجتماعی در قالب مراقبتهای جسمی و عاطفی، و تلاش برای بازگرداندن مجنون به جامعه (خانه و آشیانه) نمود پیدا میکند. او نگران «رسوایی» و «آشفته‌گی» حال فرزندش در چشم دیگران است. تمام اعمال او که در بخش «تلاش برای برتری» ذکر میشود، نشان‌دهنده علاقه اجتماعی او به فرزندش است.

تلاش برای برتری

تلاش مادر مجنون برای برتری، در غالب تلاش‌های بی‌وقفه برای مراقبت، تسکین درد و بازگرداندن سلامتی به فرزندش نمود پیدا میکند. او به جای تسلیم شدن در برابر وضعیت مجنون، فعالانه به دنبال رفع رنج اوست. این تلاش‌ها برای بهبود حال فرزند، نوعی برتری‌جویی سالم و سازنده است که از عشق مادرانه نشأت میگیرد.

او با محبت و دلسوزی، به تیمار مجنون میپردازد:

گه شست به آب دیده رویش	گه کرد به شانه جعد مویش
سر تا قدمش به مهر مالید	بر هر ورمی به درد نالید

(دیدن مادر مجنون را، ص ۲۰۳)

او زخم‌های مجنون را مداوا میکند:

می برد به هر کناره ای دست	گه آبله سود و گه ورم بست
گه شست سر پر از غبارش	گه کند ز پای خسته خارش

(دیدن مادر مجنون را، ص ۲۰۳)

این اعمال، بیانگر از خودگذشتگی و تلاش بی‌دریغ او برای تسکین آلام مجنون است.

او تلاش میکند که مجنون را به واقعیت و زندگی عادی بازگرداند

برخیز و بیا به خانه خویش	برهم مزین آشیانه خویش
--------------------------	-----------------------

(دیدن مادر مجنون را، ص ۲۰۳)

هدف نهایی

هدف نهایی مادر مجنون، بازگرداندن فرزندش به وضعیت سلامتی جسمی و روانی، و بازگشت او به زندگی عادی در خانه و جامعه است. او آرزو دارد مجنون از وحوش و بیابان دور شود و به یک زندگی آرام و باثبات بازگردد. این هدف، تمام دغدغه‌ها و تلاش‌های او را شکل میدهد. هدف او این است که مجنون عشق را کنار گذاشته و زندگی عادی را از سر بگیرد. هدف نهایی او بازگشت مجنون به آغوش خانواده و زندگی طبیعی است.

تحلیل شخصیت سلام بغدادی

سلام بغدادی، شخصیتی است که در مسیر جنون مجنون، به او نزدیک میشود و سعی در کمک و بازگرداندن او به زندگی عادی دارد. وی شخصیتی است که با مجنون در بیابان ملاقات میکند و تلاش میکند تا او را درک کند و به او کمک کند. او از «منعمان بغداد» است و خود نیز «عاشق پسری بد آشناروی» بوده و «هم سیل بلا بدو رسیده هم سیلی عاشقی چشیده». این پیشینه، او را به شخصیتی همدل و فهمیده تبدیل میکند.

احساس حقارت

اگرچه در متن مستقیماً به «عقده حقارت» در سلام بغدادی اشاره نشده است، اما تجربه شخصی او از عشق و درد («دردی کش عشق و درد پیمای / اندوه نشین و رنج فرسای») میتواند به او نوعی درک عمیق از رنج و حقارت ناشی از عشق نافرجام بخشیده باشد.

عاشق	پسری	بد	آشناروی	یک	موی	نگشته	از	یکی	موی
هم	سیل	بلا	بدو	رسیده	هم	سیلی	عاشقی	چشیده	
دردی	کش	عشق	و	درد	پیمای	اندوه	نشین	و	رنج
(آشنا شدن سلام بغدادی با مجنون، ص ۲۱۹)									

این تجربه، او را قادر می‌سازد تا احساس حقارت و درماندگی مجنون را درک کند و با او همدلی نشان دهد. او خود را «در عالم عشق گشته چالاک» میدانند و این «چالاک» میتواند نتیجه غلبه بر رنج‌های گذشته باشد.

سبک زندگی

سبک زندگی سلام بغدادی، بر اساس توانایی او در درک عمیق عشق و درد و تمایلش به کمک به دیگران شکل گرفته است. او نه تنها یک فرد متمول است، بلکه به «خواندن شعرها هوسناک» است و از «طبع پاکش» «نسب دردناکش» (اشعارش) را می‌خوانند. این نشان می‌دهد که او به دنبال معنا در زندگی، فراتر از مادیات است و این معنا را در هنر و کمک به هموعان خود می‌یابد. او «بربست بنه به ناچه ای چست» و «در بادیه راند چند فرسنگ» تا مجنون را پیدا کند، که نشان‌دهنده اراده و پشتکار او در پیگیری اهدافش است.

در	عالم	عشق	گشته	چالاک	در	خواندن	شعرها	هوسناک
(آشنا شدن سلام بغدادی با مجنون، ص ۲۲۰)								
پرسید	نشان	و	یافتش	جای	افتاده	برهنه	فرق	تا
(آشنا شدن سلام بغدادی با مجنون، ص ۲۲۰)								

علاقه اجتماعی

سلام بغدادی نمونه بارزی از «علاقه اجتماعی» در روانشناسی آدلر است. او با وجود جایگاه اجتماعی و ثروت خود، به رنج و درد یک انسان دیگر (مجنون) بی‌تفاوت نیست. او به دنبال «آن غریب دلتنگ» می‌رود و حتی با «وحوش جوقی» که مجنون را احاطه کرده‌اند، مقابله می‌کند (زد بانگ بران سیاع هایل / تا تیغ کنند در حمایل). این اقدامات نشان‌دهنده همدلی، دلسوزی و تمایل او به مشارکت در رفاه دیگران است. او «دادش از میان جان سلامی» و «مجنون ز خوش آمد سلامش / بنمود تقریبی تمامش»، که نشان‌دهنده تأثیر مثبت علاقه اجتماعی او بر مجنون است.

هر	غمزده	ای	که	شعر	او	خواند	آن	ناقه	که	داشت،	سوی	او	راند
(آشنا شدن سلام بغدادی با مجنون، ص ۲۲۰)													

نشان می‌دهد که او از طریق شعر مجنون با درد او ارتباط برقرار کرده است.

تلاش برای برتری

تلاش برای برتری در آدلر به معنای حرکت از یک وضعیت پایین‌تر به یک وضعیت بالاتر است. سلام بغدادی، به جای تلاش برای کسب قدرت یا ثروت بیشتر، به نظر می‌رسد که برتری خود را در توانایی برای کمک به دیگران و حل مشکلات آن‌ها می‌بیند. او با شنیدن «آوازه عشق» مجنون و «سحر حلال او» (اشعارش)، به سمت او می‌رود.

این حرکت به سمت مجنون، نشان‌دهنده تلاشی برای ارتقاء خود از طریق «علاقه اجتماعی» و ایفای نقش یک ناجی یا حامی است. او می‌خواهد «آن غریب دلتنگ» را بیابد و به او آرامش بخشد.

افتاد سلام را کزان خاک آید به سلام آن هوسناک
(آشنا شدن سلام بغدادی با مجنون، ص ۲۲۰)
در جستن آن غریب دلتنگ در بادیه راند چند فرسنگ
(آشنا شدن سلام بغدادی با مجنون، ص ۲۲۰)

هدف نهایی

هدف نهایی سلام بغدادی، به نظر می‌رسد که یافتن آرامش و معنا در زندگی از طریق درک و کمک به دیگران است. او خود «دردی کش عشق» بوده و اکنون به دنبال این است که از طریق ارتباط با مجنون و درک «سحر حلال» او، به نوعی کمال و برتری در حوزه انسانی دست یابد. او به دنبال «آن هوسناک» (مجنون) می‌رود، که نشان‌دهنده تمایل او به ارتباط با افرادی است که درکی عمیق از عشق و رنج دارند.

تحلیل شخصیت سلیم عامری

سلیم عامری به عنوان خال مجنون، شخصیتی دلسوز، مسئولیت‌پذیر و فعال است که در مواجهه با وضعیت دشوار مجنون، رویکردی سازنده و حمایت‌گرانه در پیش می‌گیرد.

احساس حقارت

در متن مستقیماً به احساس حقارت سلیم عامری اشاره نشده است. اما از دیدگاه آدلر، هر انسانی در طول زندگی با احساسات نقص و ناتوانی مواجه می‌شود که محرک تلاش برای برتری است. سلیم عامری، با وجود اینکه «صاحب هنری حلال‌زاده» و «هم‌خاسته و هم‌افتاده» (یعنی هم موفقیت و هم شکست را تجربه کرده) است، خود را در برابر رنج مجنون مسئول می‌داند. این مسئولیت‌پذیری و تلاش بی‌وقفه برای کمک به مجنون، می‌تواند نوعی جبران سازنده برای احساس ناتوانی در برابر مشکلات زندگی (که شاید در گذشته تجربه کرده) باشد. او به جای تسلیم شدن در برابر وضعیت مجنون، فعالانه به دنبال راه‌چاره می‌گردد و این خود نشانه‌ای از یک جبران سالم و حرکت به سمت برتری (در معنای کمک به دیگران) است.

سبک زندگی

سبک زندگی سلیم عامری، بر اساس نقش او به عنوان یک حامی و مسئولیت‌پذیر شکل گرفته است. او فردی است که در مواجهه با مشکلات، به جای کناره‌گیری، فعالانه وارد عمل می‌شود. «در چاره‌گری چو سامری بود» نشان می‌دهد که او فردی با تدبیر و توانمند در یافتن راه حل است. این ویژگی، او را به شخصیتی قابل اعتماد و مؤثر تبدیل می‌کند. او به طور مداوم و بدون خستگی، به دنبال راهی برای بهبود وضعیت مجنون است.

علاقه اجتماعی

سلیم عامری نمونه بارزی از «علاقه اجتماعی» بالا است. او نه تنها نسبت به مجنون (که خویشاوند اوست) احساس مسئولیت می‌کند، بلکه این احساس مسئولیت به حدی است که حاضر است برای یافتن و کمک به او، رنج سفر در بیابان را به جان بخرد و با خطرات مواجه شود. این همدلی و تمایل به مشارکت در رفاه دیگری، از ویژگیهای اصلی

علاقه اجتماعی در دیدگاه آدلر است. او به جای تمرکز بر مشکلات خود، انرژی خود را صرف کمک به دیگری میکند.

تلاش برای برتری

تلاش برای برتری در سلیم عامری، نه به شکل قدرت‌طلبی یا خودنمایی، بلکه به صورت خدمت‌رسانی و کمک به ممنوع نمود پیدا میکند. او نمیخواهد از مجنون برتری جوید، بلکه میخواهد او را از وضعیت نامطلوبش نجات دهد. این نوع برتری‌جویی، بر اساس دیدگاه آدلر، سالم‌ترین شکل آن است که در جهت رفاه جمعی و کمک به دیگران قرار میگیرد.

آن بر همه ریش مرهم او	بودی همه ساله در غم او
(آمدن سلیم عامری به دیدن او، ص ۱۹۹)	
هر ماه ز جامه و طعامش	بردی همه آلتی تمامش
(آمدن سلیم عامری به دیدن او، ص ۱۹۹)	

این نشان میدهد که او به طور مداوم به فکر مجنون بوده و برای او دلسوزی میکرده است و این کمک‌های مادی و مستمر، نشان‌دهنده تعهد او به بهبود وضعیت مجنون است.

هدف نهایی

هدف نهایی سلیم عامری، به نظر میرسد که بازگرداندن مجنون به وضعیت عادی و آرامش، و در نتیجه، دستیابی به یک جامعه (خانواده) سالم‌تر و متعادل‌تر است. .. میخواهد مجنون را از «بند هر گروهی» و رنج تنهایی و جنون نجات دهد. این هدف، او را به سمت اقدامات محبت‌آمیز و فداکارانه سوق میدهد. او به دنبال «آزاد» کردن مجنون از رنج‌هایش است.

تحلیل شخصیت نوفل

نوفل، فردی قدرتمند و بانفوذ است که در منظومه نظامی، نقش حامی مجنون را ایفا میکند و سعی در حل مشکلات او دارد.

احساس حقارت

در منظومه نظامی، به طور مستقیم به احساس حقارت در نوفل اشاره‌ای نشده است. او شخصیتی قدرتمند، «مهمتر میهمان نواز»، «دولتمند» و «حشمت‌دار» و «لشگرشکن» توصیف شده است. اگرچه هر انسانی ممکن است در مقطعی از زندگی با احساس نقص روبرو شود، اما نوفل این احساسات را با قدرت، رهبری و تأثیرگذاری خود جبران میکند.

نوفل نامی که از شجاعت	بود آنطرفش به زیر طاعت
لشگر شکنی به زخم شمشیر	در مهر غزال و در غضب شیر
هم حشمت گیر و هم حشم دار	هم دولتمند و هم درم دار
	(رسیدن نوفل به مجنون، ص ۱۰۳)

سبک زندگی

سبک زندگی نوفل، با رهبری، عمل‌گرایی و بخشندگی مشخص می‌شود. او به عنوان یک «مهر» و «میهمان‌نواز»، زندگی پر جنب‌وجوش و فعالی دارد. او اهل معاشرت و شادی است و در مواجهه با مشکلات، رویکردی مستقیم و قاطعانه دارد. وقتی مجنون را در بیابان می‌یابد، فوراً تصمیم به کمک می‌گیرد و برای او تلاش می‌کند.

وان	مهر	میهمان	نوازش	می	داشت	به	صد	هزار	نازش
بی	طلعت	او	طرب	نمی	کرد	می	جز	به	جمال
ماهی	دو	سه	در	نشاطکاری	کردند	به	هم	شرابخواری	

(رسیدن نوفل به مجنون، ص ۱۰۸)

این ابیات نشان از سبک زندگی اجتماعی، شاد و مهمان‌نواز نوفل دارد.

علاقه اجتماعی

نوفل دارای علاقه اجتماعی قابل توجهی است. او با وجود جایگاه و قدرت خود، به درد و رنج یک فرد غریب و مطرود (مجنون) بی‌تفاوت نمی‌ماند و تصمیم به کمک به او می‌گیرد. این تمایل به بهبود وضعیت دیگری و مشارکت در رفاه او، حتی اگر از طریق اعمال زور و قدرت باشد، از جنبه‌های علاقه اجتماعی اوست.

دید	آبله	پای	دردمندی	بر	هر	موئی	ز	مویه	بندی
محنت	زده	غریب	و رنجور	دشمن	کامی	ز	دوستان	دور	
وحشی	شده	از	میان مردم	وحشی	دو	سه	اوفتاده	دردم	

(رسیدن نوفل به مجنون، ص ۱۰۳)

همین مشاهده وضعیت رنجور مجنون و سپس تصمیم به کمک، نشان‌دهنده علاقه اجتماعی نوفل است. ابیات گلابیه مجنون از وی نیز، به نوعی نشانگر این است که نوفل به خاطر «علاقه اجتماعی» (هرچند شاید آمیخته با برتری‌جویی) به مجنون نزدیک شده و قصد کمک داشته است.

تلاش برای برتری

تلاش نوفل برای برتری به وضوح در اعمال او دیده می‌شود. او می‌خواهد به عنوان یک رهبر قدرتمند و حلال مشکلات شناخته شود. این برتری‌جویی، نه تنها در حوزه نظامی و سیاسی، بلکه در حوزه اجتماعی و شخصی نیز نمود پیدا می‌کند. او با ورود به زندگی مجنون و تلاش برای حل مشکل عشق او، سعی در اثبات توانایی و نفوذ خود دارد. حتی اگر وعده‌هایش به مجنون به طور کامل عملی نشوند، نفس اقدام و وعده دادن، نشانه‌ای از این برتری‌جویی است.

نوفل	چو	شنید	حال	مجنون	گفتا	که	ز	مردمی	است	اکنون
کاین	دل	شده	را	چنانکه	دانم	کوشم	که	به	کام	دل

(رسیدن نوفل به مجنون، ص ۱۰۴)

ابیات فوق نشان‌دهنده ملاقات با مجنون و تصمیم برای کمک به او، نشان از تمایل او به ایفای نقش یک ناجی قدرتمند دارد.

هدف نهایی

هدف نهایی نوفل، به نظر می‌رسد که حفظ و گسترش نفوذ و اعتبار خود به عنوان یک رهبر قدرتمند و عادل است. او می‌خواهد نظم را برقرار کند و مسائل را حل کند، چه در میدان نبرد و چه در زندگی شخصی افراد. او تلاش

میکند تا با حل مشکل مجنون، تصویری از خود به عنوان یک حلال مشکلات و حامی قدرتمند را تثبیت کند، که این خود بخشی از هدف او برای دستیابی به جایگاهی برتر در جامعه است.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با رویکرد روانشناسی فردی آلفرد آدلر، به تحلیل عمیق ده شخصیت اصلی منظومه لیلی و مجنون نظامی پرداخته و درک نوینی از انگیزه‌ها، رفتارها و سبک زندگی آن‌ها ارائه کرده است. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم کلیدی آدلر - از جمله احساس حقارت، سبک زندگی، علاقه اجتماعی، تلاش برای برتری و هدف نهایی - می‌توانند لایه‌های پنهان روانشناختی این شخصیت‌های ماندگار ادبیات فارسی را آشکار سازند.

تحلیل شخصیت‌های این منظومه با رویکرد آدلر نشان می‌دهد که هر یک از این افراد، در چارچوب تجربیات اولیه، احساسات حقارت (واقعی یا ادراک‌شده)، و تلاش‌های خود برای برتری (چه سازنده و چه ناسالم)، به شکلگیری سبک زندگی و هدف نهایی منحصر به فردی رسیده‌اند. داستان لیلی و مجنون از این منظر، نه تنها یک روایت عاشقانه، بلکه مطالعه‌ای عمیق بر روان انسان و پیچیدگی‌های تعامل فرد با جامعه، خانواده، و سرنوشت است. رویکرد آدلر به وضوح نشان می‌دهد که چگونه «علاقه اجتماعی» (یا فقدان آن) می‌تواند مسیر زندگی یک فرد را به سمت همکاری و مشارکت سازنده، یا به سوی انزوا و تضاد، هدایت کند و چگونه «تلاش برای برتری» می‌تواند در قالب خدمت به دیگران یا سلطه‌جویی و خودخواهی بروز یابد. این تحقیق، غنای روان‌شناختی اثر نظامی را بیشتر آشکار ساخته و بینشی ارزشمند برای درک عمیق‌تر شخصیت‌پردازی‌های او فراهم می‌آورد.

رویکرد آدلر به ما کمک می‌کند تا انگیزه‌ها و رفتارهای لیلی و مجنون را فراتر از یک داستان عاشقانه صرف درک کنیم و به لایه‌های عمیق‌تر روانشناسی آن‌ها پی ببریم. مفاهیمی چون عقده حقارت، سبک زندگی، علاقه اجتماعی و تلاش برای برتری، ابزاری ارزشمند برای تحلیل شخصیت‌پردازی در ادبیات و درک پیچیدگی‌های رفتار انسانی ارائه می‌دهند.

پژوهش‌های آینده می‌توانند با استفاده از سایر نظریه‌های روانشناسی به تحلیل این شخصیت‌ها پرداخته یا به مقایسه این روایات با نسخه‌های دیگر داستان لیلی و مجنون در فرهنگ‌های مختلف بپردازند. همچنین، بررسی تأثیرات زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی بر شکلگیری این شخصیت‌ها از منظر روانشناسی می‌تواند موضوعات جالب توجهی برای تحقیقات آتی باشد.

مشارکت نویسنندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج استخراج شده است. آقای دکتر رضا برزویی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم سوسن ولیزاده بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر شراره الهامی به عنوان استاد مشاور در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش مشارکت داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

در پایان این پژوهش، بر خود لازم میدانم از راهنمایی‌ها و حمایت‌های بی‌دریغ اساتید فرهیخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، به ویژه جناب آقای دکتر جمال احمدی، سرکار خانم دکتر رقیه علوی و سرکار خانم دکتر ناهید همتی کمال سپاس و قدردانی را داشته باشم. همچنین، از جناب آقای دکتر امید مجد، مدیر محترم ماهنامه سبک شناسی نظم و نشر فارسی که با فراهم آوردن بستری مناسب برای انتشار مقالات علمی، نقش ارزنده‌ای در اعتلای دانش و فرهنگ ایفا می‌کنند، صمیمانه سپاسگزارم. توفیق روزافزون این بزرگواران را از خداوند متعال مسئلت دارم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES:

- Abdollahi, A.; Jokar, N.; Rahimi, Ch. (2015) Love of Majnoon in the Mirror of Psychoanalysis, *Journal of Lyrical Literature*, University of Sistan and Baluchestan, Year 13, Issue 25, pp. 61-78
- Adler, A. (1956). *The Individual Psychology of Alfred Adler*. New York: Basic Books Inc..
- Alaei Hosseini, M. (2007) "Leyli" Jami and "Leyli" Nezami, *Journal of Comparative Literature*, Jiroft, Spring 2007, Issue 1
- Ansbacher, H. L., & Ansbacher, R. R. (Eds.). (1964). *The Individual Psychology of Alfred Adler: A Systematic Presentation in Selections From His Writings*. Harper & Row.
- Bitter, J. R., Robertson, P., Healey, A. C., & Jones-Cole, P. (2009). Adlerian theory. In J. Carlson & T. H. Bornemann (Eds.), *The Sage encyclopedia of marriage, family, and couples counseling* (pp. 14-20). Sage Publications.
- Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2023, December 5). *Alfred Adler*. *Encyclopedia Britannica*. Retrieved from <https://www.britannica.com/biography/Alfred-Adler>
- Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2024, February 28). *Individual psychology*. *Encyclopedia Britannica*. Retrieved from <https://www.britannica.com/science/individual-psychology>
- Cherry, K. (2023, August 28). *Alfred Adler's Life and Contributions to Psychology*. *Verywell Mind*. Retrieved from <https://www.verywellmind.com/alfred-adler-2795502>
- Feist, J., & Feist, G. J. (2009). *Theories of personality*. McGraw-Hill.
- Forouzanfar, B. (1980). *Commentary on the Masnavi Sharif*. Tehran: Zavar.
- Froeschle, J. G., Milliren, A., & Carey, J. C. (2008). Adlerian group counseling with adolescent girls at risk: Social interest and changes in self-esteem. *Journal for Specialists in Group Work*, 33(1), 6-18.
- Jami, N. A. (1999), *Haft Awrang (The Seven Thrones)*, Volume 2 (Yusuf and Zuleikha, Leili and Majnoun, and Kherad-nameh-ye Eskandari), edited by Alaakhan Afsahzad, Publications of the Markaz-e Motaleat-e Irani.
- Kiamanesh, M. (2010) *Investigating Personality from a Psychological Aspect in the Poetry of Leyli and Majnoon*, Supervisor, Ali Asghar Babasalar, Advisor, Ali Mohammad Moezni, Master's Thesis, University of Tehran, Persian Language and Literature, Library of the Faculty of Literature and Humanities.
- Moradi, M.; Kaykhai Farzaneh, A. (2019) Comparative Comparison of Nezami's Laila and Majnun and Amir Khosrow Dehlavi's Majnun and Laila, *Journal of Comparative Studies*, Year 14, Issue 53, pp. 299-323.
- Mosak, H. H., & Dreikurs, R. (1967). The life tasks: III. The fifth life task. *Individual Psychologist*, 5, 16-22.
- Mozafarikhah, M., Ghavam, A., & Zolfaghari, H. (2023). A study of characterization

- in the poetic works of Leili and Majnoun and Khosro and Shirin by Amir Khosro Dehlavi and Nami Esfahani, with an emphasis on Propp's structuralism theory. *Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose*, 16(84), 95-117.
- Nizami Ganjavi (1997), *Leili and Majnoun*, edited and annotated by Vahid Dastgerdi, compiled by Dr. Saeed Hamidian, Tehran: Nashr-e Ghatreh.
- Overholser, J. C. (2010). Elements of Adlerian theory. *Journal of Individual Psychology*, 66(3), 348-355.
- Shamisa, S. (1982). *Story Writing*. Tehran: Mitra.
- Watts, R. E. (2003). On the origins of striving for superiority and social interest. *Journal of Individual Psychology*, 59(1), 42-53.
- Wissing, R. (2018). *The Little Book of Adler*. John Hunt Publishing.
- Zarrinkoob, A. (1980). *A Search in Iranian Sufism*. Tehran: Amir Kabir.

فهرست منابع فارسی

- اورهولسر، جی. سی. (۲۰۱۰). عناصر نظریه آدلری. مجله روانشناسی فردی، ۶۶(۳)، ۳۴۸-۳۵۵.
- آدلر، آ. (۱۹۵۶). روانشناسی فردی آلفرد آدلر. نیویورک: انتشارات Basic Books Inc.
- آنسباخر، اچ. ال، و آنسباخر، آر. آر. (ویراستاران). (۱۹۶۴). روانشناسی فردی آلفرد آدلر: ارائه‌ای نظام‌مند در گزیده‌هایی از نوشته‌های او. هارپر و رو.
- بریتانیکا، تی. ویراستاران دایره‌المعارف (۲۰۲۳، ۵ دسامبر). آلفرد آدلر. دایره‌المعارف بریتانیکا. بازیابی شده از <https://www.britannica.com/biography/Alfred-Adler>
- بریتانیکا، تی. ویراستاران دایره‌المعارف (۲۰۲۴، ۲۸ فوریه). روانشناسی فردی. دایره‌المعارف بریتانیکا. بازیابی شده از <https://www.britannica.com/science/individual-psychology>
- بیترو، جی. آر، رابرتسون، پی، هیلی، ای. سی، و جونز-کول، پی. (۲۰۰۹). نظریه آدلری. در جی. کارلسون و تی. اچ. بورنمن (ویراستاران)، دایره‌المعارف مشاوره ازدواج، خانواده و زوجها در سیج (صفحات ۱۴-۲۰). انتشارات سیج.
- جامی، ن. ع. (۱۳۷۸) هفت اورنگ، جلد دوم (یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه اسکندری)، تصحیح علاخان افصح زاد، انتشارات مرکز مطالعات ایرانی.
- چری، کی. (۲۰۲۳، ۲۸ آگوست). زندگی و مشارکت‌های آلفرد آدلر در روانشناسی. انتشارات Verywell Mind. بازیابی شده از <https://www.verywellmind.com/alfred-adler-2795502>
- زرین کوب، ع. (۱۳۶۹). جستجو در تصوف ایران. تهران: امیر کبیر.
- شمیسا، س. (۱۳۸۱). داستان نویسی. تهران: میترا.
- عبداللهی، ع. جوکار، ن. رحیمی، چ. (۱۳۹۴) عشق مجنون در آیینۀ روانکاوی، پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم صص ۶۱-۷۸
- علائی حسینی، م. (۱۳۸۶) «لیلی» جامی و «لیلی» نظامی، نشریه ادبیات تطبیقی جیرفت، بهار ۱۳۸۶، شماره ۱
- فروزانفر، ب. (۱۳۶۹). شرح مثنوی شریف. تهران: زوار.
- فروشل، جی. جی، میلین، ای، و کری، جی. سی. (۲۰۰۸). مشاوره گروهی آدلری با دختران نوجوان در معرض خطر: علاقه اجتماعی و تغییرات در عزت نفس. مجله متخصصان کار گروهی، ۳۳(۱)، ۱۸-۶.
- فیست، جی، و فیست، جی. جی. (۲۰۰۹). نظریه‌های شخصیت. مگ‌گرا-هیل.

کیامنش، م. (۱۳۸۹) بررسی شخصیت از جنبه روانشناسی در منظومه لیلی و مجنون، استاد راهنما، علی‌اصغر باباسالار، استاد مشاور، علیمحمد مؤذنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، رشته زبان و ادبیات فارسی کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مظفری خواه، م؛ قوام، ا. و ذوالفقاری، ح. (۱۴۰۲) مطالعه شخصیت‌پردازی در منظومه‌های لیلی و مجنون و خسرو و شیرین امیرخسرو دهلوی و نامی اصفهانی با تأکید بر نظریه ساختارگرایی پراپ، نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۴، صص ۹۵-۱۱۷.

مرادی، م. کیخای فرزانه، ا. (۱۳۹۹) مقایسه تطبیقی لیلی و مجنون نظامی و مجنون و لیلی امیرخسرو دهلوی، مجله مطالعات تطبیقی، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۲۹۹-۳۲۳.

موساک، ه. و دریکرز، آر. (۱۹۶۷) وظایف زندگی: پنجمین وظیفه زندگی. روانشناس فردی، ۵، ۱۶-۲۲.

نظامی گنجوی (۱۳۷۶) لیلی و مجنون، تصحیح و حواشی وحید دستگردی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.

واتس، آر. ای. (۲۰۰۳). درباره ریشه‌های تلاش برای برتری و علاقه اجتماعی. مجله روانشناسی فردی، ۵۹(۱)، ۵۳-۴۲.

ویسینگ، آر. (۲۰۱۸). کتاب کوچک آدلر. انتشارات جان هانت.

معرفی نویسندگان

سوسن ولیزاده: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

(Email: sousan.valizadeh@iau.ir)

(ORCID: 0009-0005-9366-4862)

رضا برزویی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

(Email: reza.borzoey@iau.ac.ir :نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0001-6520-9225)

شراره الهامی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

(Email: sh.elhami@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0002-0922-1478)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Sousan Valizadeh: Department of Persian Language and Literature, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

(Email: sousan.valizadeh@iau.ir)

(ORCID: 0009-0005-9366-4862)

Reza Borzoei: Department of Persian Language and Literature, Sa.C., Islamic Azad University,

Sanandaj, Iran.

(Email: reza.borzoiy@iau.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: [0000-0001-6520-9225](https://orcid.org/0000-0001-6520-9225))

Sharareh Elhami: Department of Persian Language and Literature, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

(Email: sh.elhami@iau.ac.ir)

(ORCID: [0009-0002-0922-1478](https://orcid.org/0009-0002-0922-1478))